



لویه جرگه ها ونقش ارزشمند آن در ساختار اجتماعی- سیاسی وقانون گذاری افغانستان

بخش دوم (لویه جرگه ها بعد از استرداد استقلال افغانستان)

در مرحله کنونی که طالبان مدعی ساختار قانون اساسی جدید میباشند، اهمیت جرگه ولویه جرگه بیشتر از پیش محسوس است، هرگاه دقیق باشد که گفته شده این قانون اساسی با مودل قانون اساسی دوره ظاهر شاه تدوین میشود، حاکمیت طالبان باید بدانند که قانون اساسی 1964 دوره شاهی و تمام قانون های اساسی در نتیجه لویه جرگه ها به میان آمده است، هیچ قانون اساسی در هیچ دوره یی از طریق شورا های ایدئالوژیک و گروهی ایجاد نشده است.

لویه جرگه ها بعد از استرداد استقلال افغانستان، ریفرم عصر امانی، دوران نادر شاه و اوایل سلطنت ظاهر شاه:

حکومت امانی بعد از تصفیه حساب با دولت انگلیس و اعلام استقلال مشغول اصلاحات داخلی گردید، دولت برای تنظیم امور قوانین و نظامنامه ها را تصویب نمود، شورای دولت که در ترکیب روشنفکرانی چون فیض محمد خان ناصری، سعدالدین خان وکیل و محمود طرزی و دیگران قرار داشتند در ترتیب پروژه های قانون سهم بارز گرفتند، در این عصر که دور آزادی خواهی و روشنگری آغاز میشود، جرگه ها نیز از اهمیت خاص در قانون گذاری برخوردار است، جرگه های کبیر از خود لایحه نظمیه و مقررات و هم تدابیر انعقاد جلسات داشت.

-لویه جرگهء جلال آباد:

پس از پادشاهی امان الله خان و استرداد استقلال افغانستان، نخستین جرگه بزرگ، که مرکب از اعضای شورای دولت و نماینده گان مردم کابل و اطراف آن، ننگرهار، لغمان و کنر بود، در زمستان 1921 در جلال آباد برگزار گردید. شمار اعضای این جرگه به 872 نفر می رسید و شخص شاه بر آن نظارت داشت، در سلامخانهء سراج العمارت منعقد شد، منظور اصلی این جرگه اصلاحات اجتماعی بود و نظامنامه اساسی را که نخستین قانون اساسی افغانستان به شمار می رود به تصویب رساند. این نظامنامه حاوی الغای برده گی، تحکیم وحدت ملی، تصریح آزادی های فردی، تساوی حقوق اتباع، مالیات متناسب با در آمد و مانند اینها بود.

در این لویه جرگه از طرف شاه امان الله جهت رفع کشیده گیهای بین القومی به رسم عنعنه قومی سنگی به نام سنگ صلح گذاشته شد و ضمن سخنرانی پیرامون مفاد قوانین دولت و نظامنامه ها مردم را به اتفاق و اتحاد دعوت نمود.

در همین سال رویداد های دیگری نیز به وقوع پیوست که بر روان لویه جرگه بی تاثیر نبود، معاهده برقراری روابط سیاسی و مناسبات تجاری میان دولت برتانیه و دولت افغانستان همزمان با رخداد لویه جرگه در 22 نوامبر 1921 بود که توسط سر هنری دابس و محمود طرزی در داخل 14 ماده به امضاء رسید، همچنان معاهده مؤدت و دوستی بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در 28

فبروری 1921 امضاء شد و هکذا بتاريخ 2 مارچ 1921 معاهده مؤدت ودوستی بین افغانستان ودولت جمهوری ترکیه وبتاریخ 3 جون همین سال قرار داد تأسیس روابط سیاسی بین افغانستان وایتالیا عقد گردید .

-لویه جرگه یا جرگه کبیر پغمان 1922:

دنباله جرگه بزرگ جلال آباد بود. ولی بیشتر به مسأله اصلاحات اقتصادی توجه داشت و در تابستان 1922 در شهرک پغمان برگزار شد، در این جرگه که ده روز به درازا کشید، اشتراک کننده گان که تعداد شان به 1504 نفر می رسید، آزادانه ابراز نظر می کردند و گاهی با نظرات شاه مخالفت نشان می دادند. در این جرگه بود که نظامنامه اساسی مورد بحث قرار گرفت و در پایان این جرگه به تایید شاه رسید.

در همین سال بر علاوه سایر کارهای مهم مناسبات سیاسی با فرانسه قایم گردید، و موافقنامه به امضاء رسید که به اساس آن امتیاز حفريات آثار باستانی افغانستان به فرانسه سپرده شد و همچنین فرانسوی ها در عرصه فرهنگی و بهداشت افغانستان سهم فعالی اتخاذ و شاگردان افغانی به فرانسه اعزام شدند.

- لویه جرگه یا جرگه بزرگ پغمان 1924:

نظامنامه اساسی تصویب شده در جرگه های 1921 و 1922 باعث واکنش های شدید در میان مردم شد و نیروهای مخالف اصلاحات با تحریکات بیگانه در خوست شورشهایی را به راه انداختند، چنانچه در اوایل سال 1924 ملا عبداللہ معروف به ملای لنگ بهمکاری ملا عبدالرشید موضوع قانون جزاء را که در زمان زعامت امان الله خان طرف تطبیق قرار گرفته بود، بهانه نموده و آنرا خلاف احکام شریعت تلقی کرد و به اغتشاش دست زد، تا بالاخر 25 تن اغتشاشیون به شمول سرکرده های آن دستگیر و از طرف محکمه نظامی در ماه می 1925 محکوم به مرگ شدند، در پرتو چنین اوضاع متشنج دولت ناگزیر شد تا برای تعدیل و تجدید نظر بر نظامنامه اساسی دومین جرگه بزرگ پغمان را برگزار کند، در این جرگه که شمار اعضای آن به 1000 نفر می رسید، شورای دولت که 150 نفر عضو داشت به شورای ملی ارتقاء داده شد، عفو مجازات از حقوق شاه شناخته شد، دوره سربازی سه سال تعیین و القاب رسمی و تشریفاتی لغو شد، به نقل از " افغانستان در مسیر تاریخ" در این جرگه یک هزار نفر انتخاباتی ملت و انتصابی شاه در پنج ستون در صحن تیاتر پغمان می نشستند، در ستونهای جناحین وکلای ملت و در ستونهای وسطی نماینده گان انتخاباتی شورای دولت و مجالس مشوره ولایات جا می گرفتند، تخت شاه روی ستیژ قرار داشت که دریمین او علمای محکمه تمیز و افسران نظامی تا درجه غند مشر (دگرمن) و اعضای انتصابی شورای دولت و کندکمشران (جگرن های) نظامی و در یسارش قضات محاکم و روسا و مدیران وزارت خانه ها جاداشتند، درجه پیشروی تخت شاه چوکی رئیس و دونفر معاون و یک نفر منشی مجلس گذاشته شده بود، و مقید بود هر ناطقی که از صف صحنه بروی ستیژ می برآمد، باید از جناح راست از پشت میکروفون سخنرانی میکرد، مصوبات در این جرگه با اکثریت به عمل می آمد.

طوری که بیان شد، این جرگه با نظم و دیسپلین خاص و به شیوه مجالس کشور های متمدن برگزار شد. دارای اصولنامه، وظایف داخلی و پروگرام منظم بود. تفصیل این اصولنامه در مطبوعات همان وقت نشر شده و بدسترس است، اما نسبت جلوگیری از طولانی شدن متن از باز نشر آن اجتناب میشود.

در جرگه های کبیر سالهای (1924-1928) پغمان و مجالس رسمی مشورتی برج شمالی ارگ وچمن ستور که پیرامون تثبیت شاخصه های سیاست افغان وانگلیس و پروگرامهای اصلاحی شاه که در عصر متمدنانهء امان الله خان انعقاد یافت، بر علاوه نماینده گان طبقات واقشار گوناگون اجتماعی شماری از روشنفکران چپ اندیش نیز رسماً حضور و شرکت داشتند، منجمله شادروان میرغلام محمد غبارمورخ و سیاستمدار شهیر کشور به نماینده گی حلقه جوانان افغان، شاد روان عبدالرحمن محمودی و شادروان غلام محی الدین خان انیس منحث وکلای مردم فعالانه اشتراک ورزیده ونقش با اهمیتی را بدوش کشیدند، در عصر امانی یک نفر از اینها به حبس سیاسی یا اعدام محکوم نشدند.

-لویه جرگه یا جرگه بزرگ کابل 1930 :

یکی از جرگه های دیگر که پس از سقوط امان الله خان وروی کار آمدن نادرشاه بخاطر فریب واغوی مردم وکشیدن نقاب مصنوعی برچهره وماهیت رژیم استبدادی نادر انعقاد یافت، همانا لویه جرگه 301 نفری وفرمایشی کابل بود که در آن 209 نفر مامور رسمی وافسران نظامی بشمول 18 تن دیپلماتهای خارجی بحیث مستمع مشاهد لویه جرگه اشتراک نمودند، جرگه با سخنرانی نادر شاه در قصر ستور وزارت خارجه آغاز شد، اما ریاست آن را برادر وی محمد هاشم خان بعهدہ داشت، به نقل از جلد دوم " افغانستان در مسیر تاریخ" شاه قبل از افتتاح مجلس نماینده گان جرگه را به دعوتهای رسمی مشغول ساخت و تحت تلقین نگهداشت وآنگاه به همهء آنان چپن ودستاری بخشید، ومجلس را رسماً بگشاد، غبار به ادامه مینویسد: " منظور ازین جرگه دوجیز بود؛ یکی ابطال آن تصاویب متری که در جرگهء انتخابی سال 1307 شمسی برابر(1928) در پغمان، شکل قانونی بخود گرفته بود، از قبیل: الغای القاب ولباس رسمی مامورین، تعیین دارایی هنگام دخول درخدمت دولت واز مصارف شخصی خود حساب دادن، قانون استخدام، تجدید اختیارات قضات وحکام، تأسیس ادارهء تفتیش عمومی، تعیین جزاء بر اساس قانون مدونه قبلی وتعیین جزای نقدی، تشکیل محاکم عصری ومدنی، آزادی مطبوعات وانتقاد، الغای نکاح صغیره وتعیین سن ازدواج، آزادی رفع حجاب زن، شرط داشتن شهادتنامه برای ملاها، تبدیلی علامت بیرق، تأسیس شورای ملی 150 نفری با سواد وامثلهم" که همه وهمه جنبه های دموکراتیک ریفرم های اصلاح طلبانهء امان الله خان شاه ترقی پسند افغانستان را در بر میگرفت، اما اینها خارجشم زمامدار مستبد وخود کامه را تشکیل میداد و از نگاه رژیم مطلقه مردود پنداشته میشد، همانست که مصوبات قانونی جرگهء پغمان ابطال شد، موضوعاتی از قبیل لایحه انتخابات شورای ملی، تعداد و شیوه انتخاب وکلای مجالس شورای ولایات، رنگ بیرق، استرداد دارایی های امان الله خان و تصویب دو باره نشان ها و القاب رسمی و تشریفاتی مورد بحث قرار گرفته نام نظامنامه اساسی نیز با تجدید نظر هایی به اصول نامه اساسی تغییر یافت و فراتر از آن با ادعا های میان تهی امان الله خان " خاین ملت ودزد دارایی افغانستان" خطاب شد وثروت گویا دست داشته او واپس خواسته شد، اما امان الله خان چون خلاف ادعای زمامدار تازه از مال ومنال با خود در ایتالیا متاعی نداشت وسنگینی بار معشیت خانواده را احساس کرد طی نامه خصوصی از شاه ولیخان وزیر مختار لندن خواست تا ازثروت وعین المال شخصی اش در کابل وهمچنان جایداد ملکه ثریا چیزی به ایشان برسد تا از دشواری روزگار نجات یابند، چون داستان عین المال امان الله خان وبرخورد غیر منصفانه نادرشاه ونامه هایی که دراین باره رد وبدل شده است، خارج از مبحث کنونی میباشد از تداوم آن منصرف میشویم، مقصد آنست که نادر شاه با استفاده ازجرگه فئودالی مذکور تا که توانست امان الله خان را بکوفت وبا بهره گیری ازسوها وشتابزده گی های امان الله خان قشرروشنفکر ووطنپرست را نیز سرکوب وآنان را بنام " امانیستها" شناسایی و تحت عنوان" خاین دین، دولت وملت" در زندان ها

افگند و به پایه دار تحویل نمود، روی همین ملحوظ است که دوره نادرشاه در تاریخ معاصر افغانستان بنام دور ترور و اختناق و تسلط ارتجاع محسوب میشود.

-لویه جرگه یا جرگه بزرگ کابل 1941:

با کشته شدن نادرشاه و رویکار آمدن ظاهر شاه درماهیت رژیم تغییرفاحشی رونما نگردید، زیرا از یکطرف اداره حکومت "از سه برادر" به "دو عمو یا دوبرادر" تبدیل یافت و از جانبی هم زیر عنوان انتقامگیری از قاتلین نادرشاه "کشتار دسته جمعی" و "مطلقیت و استبداد" ادامه یافت. با این همه در بحبوحه جنگ دوم جهانی که افغانستان در 17 اگست 1940 رسماً بیطرفی خود را اعلام داشت و اتباع جرمنی در افغانستان به مشاغل خویش باقی ماندند، انگلیسها میخواستند تا اتباع جرمنی از افغانستان خارج شوند، این مقابله اسباب برخی تشنجات داخلی را فراهم ساخت، حکومت نمیتوانست مسوولیت این عمل را بدوش کشد، پس در 5 نوامبر سال 1941 لویه جرگه دعوت شد، این نخستین جرگه ای بود که پس از ترور نادر خان و پادشاهی پسرش محمد ظاهر شاه برگزار شد، این جرگه در مکتب حبیبیه با سخنرانی محمد ظاهر شاه انعقاد یافت و دو روز ادامه داشت.

این جرگه بیطرفی افغانستان در جنگ عمومی دوم را اعلام نمود و طبق یادداشت های دولتین شوروی و انگلیس در اکتوبر 1941 اتباع و کارشناسان جرمنی را با تضمین مصونیت شان با امن از افغانستان خارج ساخت، هرچند بعد از جنگ سفارت جرمنی در کابل مسدود شد و دم و دستگاه جاسوسی انگلیس در داخل دولت وسعت یافت، اما خاطرهء مصئون نگهداشتن و با امن انتقال دادن اتباع آلمانی برای سالیان متمادی سنگپایه مناسبات دوستی و تفاهم نیک میان جرمنی و افغانستان قرار گرفت، که ثمره نیک لویه جرگه 1941 میباشد، پدر مرحوم میرزا عبدالغفار خان وفا، یکتا از اراکین وزارت امور خارجه وقت افغانستان در زمره سایر مامورین و منسوبین دولت یکتا از شرکت کننده های این جرگه تاریخی بودند، ایشان بارها رویداد این جرگه را که چگونه مملو از بحث های داغ به جانبداری از آلمان و در ضدیت به آن در حمایت از شوروی ها و انگلیسها صورت میگرفت برایم بازگو و قصه نموده بود، ایشان میگفتند که در بیرون تالار جرگه بعضی ها در حمایت از پیشروی های آلمان اظهار خوشی و شغف میکردند و برخی ها هم از مقاومت و پیشرفت روسها در جبهه جنگ استقبال مینمودند، بالاخر روحیه مهمان نوازی و پناه دادن به اتباع یک کشوری که در جنگ است باعث شد تا افغانستان در این جرگه با درایت سیاسی بتواند هم اعتماد روس و انگلیس را جلب کند و هم با حفظ بیطرفی در جنگ اتباع کشور آلمان را خارج سازد.

-لویه جرگه یا جرگه بزرگ کابل 1955:

قدر مسلم آنست، هنگامی که در سال 1947 جرگه قبایل سرحدی استقلال خویش را در برابر پاکستان اعلام داشتند و نماینده گان خود را به کابل اعزام داشتند و از قیام مسلح خویش علیه پاکستان استمداد جستند، حکومت افغانستان کوشید ایشانرا از اقدامات مسلحانه در مقابل پاکستان منصرف گردانیده و منتظر نتایج مذاکرات دوستانه و اقدامات صلح جویانه سازد، این همه باعث شد، تا پاکستان مهلت یابد در 1948 خان عبدالغفار خان را محبوس کند، یکسال بعد تر در 1949 دهات پشتونستان و هم مغلی پکتیا را بمبارد کند، و با استفاده از قوه نظامی جنبش آزادیخواهی پشتونها و بلوچها را سرکوب نماید، قضیه پشتونستان و خط دیورند که تاکنون راه حل سیاسی خود را نیافته از زمره مسایل داغ سیاسی میان افغانستان و پاکستان میباشد، از نگاه آگاهان این مساله باید در یک لویه جرگه اختصاصی و تاریخی یا بشیوه مدرنتر آن طی یک ریفراندوم (همه پرسی) حل و فصل شود، اما مطلب مهم در این

میان، جاری نگهداشتن همکاری و روابط متقابلاً مفید منطقه یی و روابط تراتزیتی و تجاری بین پاکستان و افغانستان با استفاده از تجربه تاریخی اروپای آزاد می باشد که زمامداران ما از چند دهه بدینسو بدان کمتر توجه نموده اند، این قضیه مبحث بزرگ سیاسی بوده که از بحث مسایل جرگه ولویه جرگه مجزا و خارج است، پس آنرا میگذاریم به بررسی های دیگر؛

جرگه 371 نفری نوامبر سال 1955 کابل هنگام صدارت محمد داوود خان به دنبال تحولات منطقه یی و بوجود آمدن کشور جدید پاکستان بر گزار شد، ریاست آن را محمد گل خان مومند به عهده داشت، موضوع آن مسأله پشتونستان بود و 5 روز به درازا کشید، قابل تذکر است که در فبروری همین سال بیرق سفارت پاکستان در کابل و بیرق قونسلگری این کشور در جلال آباد توسط مظا هره کننده گان پائین کشیده شد و متعاقب آن در افغانستان امر سفر بری و آماده باش صادر گردید، همچنان در مارچ سال 1955 بود که سردار محمد داوود خان طی یک بیانیه رادیویی پاکستان را نسبت به تصمیمش در مورد تشکیل یونت غربی به شدت نکوهش کرده و این اقدام پاکستان را سبب غصب حقوق پشتونهای آنطرف سرحد خوانده و همدردی حکومت و مردم افغانستان را در مورد این سرزمین ها و مردم آن ابراز داشت.

برعلاوه چنین وضعیت وخیم سیاسی میان افغانستان و پاکستان، در همین سال رویداد های دیگری هم بوقوع پیوست که مضمون لویه جرگه را غنا بخشید، چنانچه در 18 اپریل 1955 اولین کنفرانس بین المللی با اشتراک کشور های غیر منسلک در شهر باندوک اندونیزیا دائر وهیأت افغانی تحت ریاست سردار محمد نعیم وزیر امور خارجه وقت در آن شرکت وبر موقف عدم انسلاک افغانستان تأکید بعمل آمد، در 29 اپریل 1955 جمال عبدالناصر رییس جمهور مصر از کابل بازدید نمود.

خلاصه اینکه به دنبال جرگه 1955 کابل بود که افغانستان روابط تنگاتنگی را با شوروی پیش گرفت و این آغاز مناسبات حسن همجواری افغانستان با شوروی ها بود.

قبل برین نیز در سال 1953 با اعزام هیأت کلتوری افغانستان تحت ریاست داکتر محمد انس رییس پوهنتون کابل به ماسکو نخستین گامهای مناسبات فرهنگی دوکشور پایه گذاری شد، همچنان در سال 1954 قرار داد اعمار دو سیلو بین تخنواکسپورت روسیه و وزارت مالیه وقت افغانستان (دکتبار سفیر شوروی در کابل و عبدالملک خان وزیر مالیه) امضاء شده بود، در همین سال 1955 که لویه جرگه انعقاد یافت.

یکماه بعد از همین لویه جرگه بود که در 15 دسامبر 1955 مسافرت سه روزه خرو سچف صدر هیأت رییس حزب کمونیست اتحاد جماهیرشوری به همراهی بولگانین صدراعظم این کشور به افغانستان شروع شد، طی این مسافرت اتحاد شوروی مبلغ یکصد ملیون دالر قرضه به افغانستان داده، موافقه همکاری وعدم تعرض را که در سال 1931 بین دو کشور عقد شده بود تأیید و تمدید نمود، علاوه برآن هردو طرف طی یک اعلامیه مشترک سیاست های خارجی دولتین خود را در موارد مختلف بین المللی بشمول حمایت شوروی از افغانستان در موضوع پشتونستان ابلاغ کردند، همچنان شورای ملی دور نهم نیز بر موافقنامه ها بین افغانستان و اتحاد شوروی صحه گذاشت.

خاطره:

هنگام آمدن مهمانان شوروی بولگانین و خرو سچف، کودک پنج ساله بودم که در اثر تقاضای مرحوم استاد علی احمد خان کهزاد رئیس وقت موزیم کابل که در همسایه گی ما در گذرگاه بودند در جمله چند

طفل دیگر با لباس ملی ودسته های گل در دهن دروازه موزیم برای استقبال در صف ایستادیم. که
برایم خاطره انگیز می باشد.

4- لویه جرگه ها در دهه مشهور قانون اساسی ودموکراسی:

ادامه دارد....

با بهره از ماخذ ومنابع آتی:

- افغانستان در پرتو تاریخ نوشته مورخ نامدار علی احمد کهزاد .
- لویه جرگه ها مظهر دموکراسی در افغانستان تألیف پوهنوال محبوبه سال 1994
- افغانستان در مسیر تاریخ جلد اول ودوم نوشته مورخ شهیر شاد روان میر غلام محمد غبار.
- یادداشت های شخصی به استناد قصه های پدرم .
- ویکی پیدیا (دانشنامه آزاد).
- کرونولوژی رویدادهای مهم افغانستان از 1901 تا امروز 2004 نوشته داکترعلی محمد زکریا

